

Poverty Alleviation as One of the Axes in General Policies System: A Systematic Review of Policies and Programs (2005-2020)



Fariba Firouzi¹ , *Gholamreza Sedighourae² , Ahmadreza Asgharpourmasouleh³ 

1. MA Student of Social Science, Faculty of Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran



Citation: Firouzi, F., Sedighourae, Gh., & Asgharpourmasouleh, A. (2022). [Poverty Alleviation as One of the Axes in General Policies System: A Systematic Review of Policies and Programs (2005-2020)]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9 (4), 798-827. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.285025.2242>

 <https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.285025.2242>

 20.1001.1.23452544.1400.9.36.6.8



Funding: See Page 820

Received: 8/05/2021

Accepted: 26/07/2021

Available Online: 22/12/2021

Article Type: Review

Key words:

Critical review;
empowerment;
government; general
policies; poverty;
poverty alleviation.

ABSTRACT

Poverty is a multi-layered concept that all societies have experienced its different forms. Poverty is defined as the disability in providing the basic needs. It goes without saying that this disability can raise serious crises. Considering the varied aspects of poverty alleviation, this issue should be studied in detail. The aim of this study is to identify the policies and plans for alleviating poverty, and figure out the elements of success and failure. It systematically reviewed the related articles about poverty alleviation during the last 15 years. Searching through the data bases with poverty alleviation keywords, 69 articles could be found. The analysis of the articles suggested that poverty is measure through the degree of income. Therefore, to address poverty, most of the resolutions are quantitative, and other aspects, particularly social ones, are neglected to a large extent. Among the suggested plans, the most sustainable one is employment. However, it seems that there is a dearth of non-reductive research in alleviating poverty.

JEL Classification: B49, I38, I30, I38, O15.

* Corresponding Author:

Gholamreza Sedighourae, PhD

Address: Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Tel: +98 (915) 3156493

E-mail: sedighourae@um.ac.ir

فقرزدایی به‌عنوان یکی از محورهای سیاست‌های کلی نظام: مرور نظام‌مند سیاست‌ها و برنامه‌ها (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹)

فریبا فیروزی^۱، * غلامرضا صدیق‌اورعی^۲، احمدرضا اصغرپورماسوله^۳

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران



20.1001.1.23452544.1400.9.36.6.8

چیکید

تاریخ دریافت: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۴ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ انتشار: ۱ دی ۱۴۰۰

نوع مقاله: گردآوری و مروری

فقر مسئله‌ای چندبُعدی است که تمام جوامع به‌صورت‌های گوناگون آن را تجربه کرده و می‌کنند. فقر عدم توانایی کافی در تأمین نیازهای اساسی تلقی می‌شود و بدیهی است که ناتوانی در تأمین نیازهای پایه، در وجوه مختلف بحران‌های شدیدی را در سطوح متعدد به‌وجود می‌آورد. با توجه به ابعاد گسترده فقرزدایی، این پدیده از اهمیت دوچندانی برخوردار است. هدف تحقیق پیش‌رو شناسایی سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف فقرزدایی و عوامل ناظر بر موفقیت و ناکامی آن‌هاست. این تحقیق با استفاده از روش مرور نظام‌مند به مذاقه در مقاله‌های مرتبط با فقرزدایی در ۱۵ سال اخیر پرداخته است. پس از جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با فقرزدایی، درنهایت ۶۹ مقاله به‌دست آمد. نتایج حاصل از خوانش و تحلیل مقاله‌ها نشان می‌دهد فقر عمدتاً با ابزارهایی چون سطح درآمد مورد سنجش قرار می‌گیرد. بنابراین در جهت‌گیری نسبت به فقر، عمدتاً نگاه کمی غالب بوده و سایر ابعاد فقر، به‌ویژه بُعد اجتماعی، تا حدی زیادی مغفول مانده است. در میان برنامه‌های اجرا یا پیشنهاد شده، سیاست اشتغال‌زایی به‌عنوان یکی از پایدارترین برنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد هنوز جای نگاهی ژرف‌انگر به حوزه فقرزدایی و انجام پژوهش‌هایی که از تقلیل‌گرایی به دور باشد، خالی است.

طبقه‌بندی JEL: O15, I38, I30, I38, B49

کلیدواژه‌ها:

توانمندسازی،
سیاست‌های کلی نظام،
فقر، فقرزدایی، مرور
انتقادی

* نویسنده مسئول:

دکتر غلامرضا صدیق‌اورعی

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد

تلفن: ۳۱۵۶۴۹۳ (۹۱۵) ۹۸+

پست الکترونیک: sedighourae@um.ac.ir

۱. مقدمه

در جهان امروز، فقر معضلی بزرگ به‌شمار می‌رود. گستردگی این پدیده پیامدها و اثرات نامطلوبی بر وجوه مختلف حیات اجتماعی برجای می‌گذارد. فقر را می‌توان ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی (فقر مطلق) و یا نابرخورداری از سطح رفاه معمول در جامعه (فقر نسبی) تعریف کرد (Hussain, Bhuiyan & Bakar, 2014). فقر پدیده‌ای اجتماعی است و نباید آن را مسئله‌ای فردی انگاشت و یا آن را منحصر به چند منطقه جغرافیایی دانست. این پدیده دارای ابعاد مختلفی است و با سایر متغیرهای اجتماعی نیز ارتباطی پیچیده دارد (راغفر، باباپور و یزدان‌پناه، ۱۳۹۴). بنابراین فقر متغیری تک‌بعدی محسوب نمی‌شود. این مسئله ناظر بر این است که رابطه علی میان متغیرهای اجتماعی به‌سادگی یک‌سویه یا دوسویه نیست، بلکه دسته‌ای از خصایص اجتماعی به‌شکل درهم‌تنیده‌ای یکدیگر را تبیین می‌کنند. همچنان‌که عواملی همچون بیکاری، تورم، سیاست‌های نامطلوب اقتصادی از جمله عامل‌های اثرگذار در بروز فقر به‌شمار می‌روند (اشرفی، بهبودی، واعظم‌مهدوی و پناهی، ۱۳۹۷؛ افشاری و بیگزاده، ۱۳۹۶)، میان این عوامل نیز رابطه علی برقرار است و همین مسئله می‌تواند شدت فقر را افزایش دهد. برای مثال بیکاری و کاهش درآمد آثاری چون از بین رفتن خودتکایی و اعتماد به‌نفس و سوء‌سلامت فیزیکی و روان‌شناختی را به‌دنبال دارد (سن، ۱۳۸۱، صص. ۳۱ و ۹۹). بنابراین به هر میزان که فراوانی این عوامل در جامعه‌ای بیشتر باشد، بالتبع تداوم و گسترش فقر و محرومیت در جامعه بیشتر می‌شود. با اینکه فقر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی دارد، اغلب فقط از حیث اقتصادی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد (De Muro, Mazziotta & Pareto, 2011).

فقر پدیده‌ای تک‌بعدی و منحصر به منطقه جغرافیایی خاصی نیست؛ اما شدت و گستردگی این مسئله در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به‌دلیل شرایط و سیاست‌های حاکم بر آن‌ها، با یکدیگر تفاوت معنادار دارد. گستردگی فقر و نظام‌های حمایتی و تأمین اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته به‌واقع متفاوت با کشورهای در حال توسعه است؛ به‌گونه‌ای که در تعداد بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، دولت‌های رفاه از طریق نظام تأمین اجتماعی، مسئولیت تأمین رفاه حداقلی قشرهای آسیب‌پذیر را برعهده دارند (آرام و سیدامامی، ۱۳۹۵)؛ اما در کشورهای در حال توسعه که عمدتاً اقتصاد تک‌محصولی بر آن‌ها حاکم است، گستردگی فقر بسیار ملموس بوده و زندگی افراد فقیر به‌گونه‌ای است که اگر اقتصاد آن کشورها متزلزل شود، این قشر در معرض مخاطرات فراوان قرار می‌گیرد (بنرجی و دوفلو، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۱). در دوران معاصر، ایران نیز همواره با دشواری‌های اقتصادی و فقر مواجه بوده است. داده‌های بانک جهانی (2016) نشان می‌دهد ۱۱٫۶ درصد از مردم در ایران در سال ۲۰۱۶ م زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند. همچنین

1. Sen

2. Banerjee & Duffo

براساس نتایج تحقیق عارف^۳ (۲۰۱۱)، اسدزاده و پل^۴ (۲۰۰۴) و الله‌دادی و عارف^۵ (۲۰۱۱)، فقر در مناطق روستایی ایران رواج بیشتری دارد که این مسئله عمدتاً ناظر بر چالش‌هایی همچون خشک‌سالی، استقبال نکردن از شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری و نبود فرصت‌های شغلی فراتر از کشاورزی است (دادورخانی، سلمانی، فرهادی و زارع، ۱۳۹۰).

با توجه به گستردگی فقر، تدوین برنامه‌های جامع و هدفمند از سوی سیاست‌گذاران در راستای کاهش فقر امری ضروری می‌نماید. از همین رو متخصصان روش‌های گوناگونی را برای کاهش فقر پیشنهاد کرده و برنامه‌های متعددی نیز در زمینه فقرزدایی طراحی و اجرا شده است. امروزه سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی متولی کاهش فقر، همچون کمیته امداد امام خمینی و بهزیستی، در کنار صدها سازمان خیریه خصوصی و داوطلبانه برای تعدیل فقر و محرومیت تلاش می‌کنند (رضازاده و فنی، ۱۳۹۵). از میان سازمان‌های مذکور، کمیته امداد یکی از مهم‌ترین سازمان‌های حمایت از فقرا در ایران به‌شمار می‌آید. این نهاد در سال ۱۳۹۲، ۴,۵۰۰,۰۰۰ نفر مددجو را تحت پوشش خود قرار داده است (تابناک، ۱۳۹۲) و در این بین ۶۳ درصد از مددجویان را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهد (اریسنا، ۱۳۹۹). برنامه‌هایی که نهادهای حمایتی در جهت کمک به قشرهای محروم اجرا می‌کنند، شامل کمک‌های نقدی و یا اهدای کالا، کمک به اشتغال‌یابی و خوداشتغالی مددجویان و پرداخت وام است (شکور، شمس‌الدینی و جوادی‌حقیقی، ۱۳۹۵). اما حمایت‌هایی از نوع پرداخت مقرری، به‌دلیل افزایش مشکلات اجتماعی، در درازمدت نمی‌تواند چندان راهگشا باشد (عزیزی و ملایجردی، ۱۳۹۶؛ رضانی، ربیعی، زاهدی‌مازندرانی و فیروزآبادی، ۱۳۹۷)؛ زیرا نیازهای افراد در گذر زمان افزایش می‌یابد و منابع مالی و بودجه‌ها متناسب با نیازهای افراد تحت پوشش نیست. در نتیجه چنین شیوه‌هایی بر ارتقای سطح معیشتی و بهبود کیفیت زندگی این قشر تأثیر چشمگیری نخواهد گذاشت. از سوی دیگر هم، حمایت‌های مادی موجب وابستگی افراد به این سازمان‌ها خواهد شد. از این رو به چنین کمک‌هایی باید صرفاً به‌عنوان تأمین احتیاجات کوتاه‌مدت نگرست (دمری و ادیسون، ۱۳۷۰، ص. ۵۹).

برای کسب نتیجه مؤثر از سیاست‌هایی که در زمینه فقرزدایی اجرا می‌شود و فهم اینکه هرکدام این برنامه‌ها تا چه اندازه در خودکفایی و استقلال اقتصادی نیازمندان مؤثر است، باید برنامه‌ها به‌صورت طولانی‌مدت و نظام‌مند بررسی شود. همچنین گروه‌های هدف باید با دقت شناسایی شود تا براساس ظرفیت‌های موجود، بتوان برنامه‌هایی را به‌منظور کاهش مشکلات ایشان طراحی کرد (زبیبی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ الوانی، پورعزت و نجابت، ۱۳۹۳).

براساس سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۵، انتظار این است

3. Aref
4. Assadzadeh & Paul
5. Allahdadi & Aref

که در افق ۱۴۰۴، جامعه ایران علاوه بر ویژگی‌های دیگر، به دور از فقر نیز باشد. همچنین در حوزه امور اجتماعی، در سیاست ۱۳، بر مبارزه با فقر تأکید شده است. در سیاست ۴۳ نیز، رفع فقر در روستاها مورد اهتمام ویژه واقع شده است. در بخشی از سیاست‌های نظام در خصوص امنیت اقتصادی، یکی از اهداف مذکور زودن فقر است. همچنین در فصل توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، در بند ۲، به مبارزه با فقر اشاره شده است. در بخش سیاست‌های تعاونی، در بند ۱۱، هدف از تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی فقرزدایی است. همچنین یکی از موارد مصرف درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها، فقرزدایی نام برده شده است. در بخش دیگری از این سیاست‌ها بر ضرورت رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر عدالت اجتماعی و پاکسازی فقر تأکید شده است. در مجموع در سیاست‌های کلی نظام، ۸ بار از واژه فقر استفاده شده که ۳ مرتبه آن واژه فقرزدایی است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

در سال‌های اخیر، با توجه به افزایش چشمگیر پژوهش‌های علمی حجم قابل قبولی از پژوهش‌ها حول مسئله فقرزدایی شکل گرفته که برای بررسی دقیق‌تر و روشن کردن مسیر آینده باید مورد بازخوانی قرار گیرد. هدف تحقیق حاضر ارائه گزارشی از پژوهش‌های منتشرشده در زمینه فقرزدایی (و نه فقر) در ۱۵ سال گذشته (۱۳۸۴-۱۳۹۹) است. انجام چنین پژوهشی از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند تصویر موجزی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فقرزدایی به‌دست دهد تا بتوان از تکرار سیاست‌های ناموفق در زمینه فقرزدایی پیشگیری کرد. با انجام چنین مروری می‌توان با دیدی انتقادی به پژوهش‌های پیشین نگرست و با تلفیق دستاوردهای این تحقیقات، نیازهای پژوهشی آینده را مشخص نمود. اگرچه اتخاذ چنین روشی در حوزه‌های گوناگون پژوهشی مفید است، اولویت فقرزدایی در جامعه ما با دیگر موضوعات پژوهشی قابل مقایسه نیست. گسترش فقر نه تنها به لحاظ اقتصادی، کیفیت زندگی بخش بزرگی از جامعه را متأثر می‌سازد، بلکه بر دیگر جنبه‌های حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهروندان نیز بسیار تأثیرگذار است؛ بنابراین برنامه‌ریزان باید با ژرفانگری به راهبردهای اثرگذار در فقرزدایی بپردازند. تصویری که در این پژوهش از برنامه‌ها و سیاست‌های فقرزدایی در ایران ارائه می‌شود، می‌تواند نشانگر دانسته‌ها و نادانسته‌های این حوزه پژوهشی در ایران باشد و مورد استفاده دیگر پژوهش‌ها و برنامه‌ریزان قرار بگیرد.

از آنجایی که آخرین مرور نظام‌مند بر مطالعات فقر (و نه فقرزدایی) و آن‌هم در حوزه مطالعات فقر روستایی) در ایران مربوط به سال ۱۳۸۹ (طالب، پیری و محمدی، ۱۳۸۹) است، به نظر می‌رسد مروری نو بر پژوهش‌های فقرزدایی ضرورت دارد. با توجه به آنچه گفته شد، در مقاله حاضر به این سؤال‌ها پاسخ داده شده است:

- اولویت‌های فقرزدایی در تحقیقات مورد مطالعه کدام است؟

- سیاست‌ها و برنامه‌های کمک به فقرزدایی چه بوده‌اند؟

- چالش‌های برنامه‌های فقرزدایی کدام است؟

۲. روش تحقیق

روش مطالعه این تحقیق، مرور نظام‌مند (Grant & Booth, 2009) است. این روش به جست‌وجوی ساخت‌یافته‌ای اطلاق می‌گردد که مطابق با معیارها و ملاک‌های از پیش تعیین‌شده صورت می‌گیرد و تحقیقات انجام‌شده درباره یک مسئله مشترک را در اختیار قرار می‌دهد (صدیقیان‌بیدگلی و لشگری، ۱۳۹۶) و در واقع به دنبال آمیخته کردن تحقیقاتی است که بر پرسش تقریباً مشترکی تمرکز داشته‌اند (قنبری و همتی، ۱۳۹۴). برای انجام این مطالعه مروری رویکرد مشخصی اتخاذ شده که مراحل آن در این بخش ذکر می‌شود. هدف تحقیق حاضر ارائه تصویری از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فقرزدایی و بیان کاستی‌ها و کمبودها و نیازهای حوزه فقرزدایی است. لازم است ذکر شود که فقر موضوع این مرور نیست، بلکه به‌طور خاص بر فقرزدایی تأکید شده که در سیاست‌های کلی نظام هم تمرکز ویژه‌ای بر آن صورت گرفته است.

در مرور نظام‌مند نیز، مانند سایر پژوهش‌ها، روایی و پایایی اهمیت زیادی دارد. برای تأمین این دو تلاش شد بدون پیش‌داوری، پژوهش‌های مرتبط با مسئله تحقیق جست‌وجو و ارزیابی شود. بیان دقیق فرایند جست‌وجوی مقالات و معیارهای انتخاب آن‌ها در جهت ارتقای تکرارپذیری این پژوهش است. تکرارپذیری تأمین‌کننده پایایی چنین پژوهشی است. همچنین با استفاده از واژگان کلیدی متنوع کوشش شد شمول و جامعیت مطالعات گردآوری‌شده تأمین گردد (قاضی طباطبایی و وداده‌بیر، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۰). محققان از حیث کیفی، مطالعات را متمایز و اولویت‌بندی کردند تا نتایج پژوهش متأثر از پژوهش‌های با اعتبار کمتر نگردد (انتظاری و مهری، ۱۳۹۲، ص. ۶۵).

۱-۲. فرایند جست‌وجوی منابع

در مرحله اول، با استفاده از کلیدواژه‌های فقر، فقرزدایی، کاهش فقر، تعدیل فقر، فرهنگ فقر، فقر اقتصادی، تعدیل درآمد، کاهش درآمد و توانمندسازی در پایگاه‌های اطلاعاتی همچون نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی، مگ‌ایران، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹، مقالات علمی پژوهشی جست‌وجو شد. نتیجه این جست‌وجو یافتن ۱۰۴ پژوهش بود. این کاوش در مهر ۱۳۹۹ انجام شد. در مرحله بعد، پس از دریافت متن کامل مقاله‌ها، ابتدا چکیده آن‌ها مورد خوانش و بررسی قرار گرفت؛ سپس با حذف موارد تکراری و نامرتب با موضوع پژوهش، ۶۹ مقاله جهت بررسی نهایی باقی ماند. ملاک بررسی مقاله‌ها وجود واژه «فقرزدایی»، «تعدیل فقر» و «کاهش فقر» در عنوان و یا کلمات کلیدی مقاله و همچنین تجربی بودن پژوهش بوده است. حذف برخی مقاله‌ها نیز به دلایل ذیل بوده است: بررسی شاخص‌ها و ابعاد فقر، تجربی نبودن مقاله‌ها، بررسی برنامه‌های توسعه و نظام‌های رفاهی و فراملی بودن پژوهش و غیرمتمرکز بودن بر ایران. در نهایت نیز پژوهش‌ها دسته‌بندی و گزارشی انتقادی از محتوای آن‌ها ارائه شد.

مقالات منتخب برای مرور، در مجله‌های ذکر شده در **جدول ۱** منتشر شده است. در بررسی این مقالات، موضوعات و نکات کلیدی استخراج و سپس دسته‌بندی شد؛ از همین رو دسته‌بندی‌های موجود در این مقاله به‌شکلی فرایندی از خلال مطالعه‌ها به‌دست آمده است. **جدول ۱** نمایانگر میزان توجه مجلات علمی معتبر در ایران به مسئله فقرزدایی است.

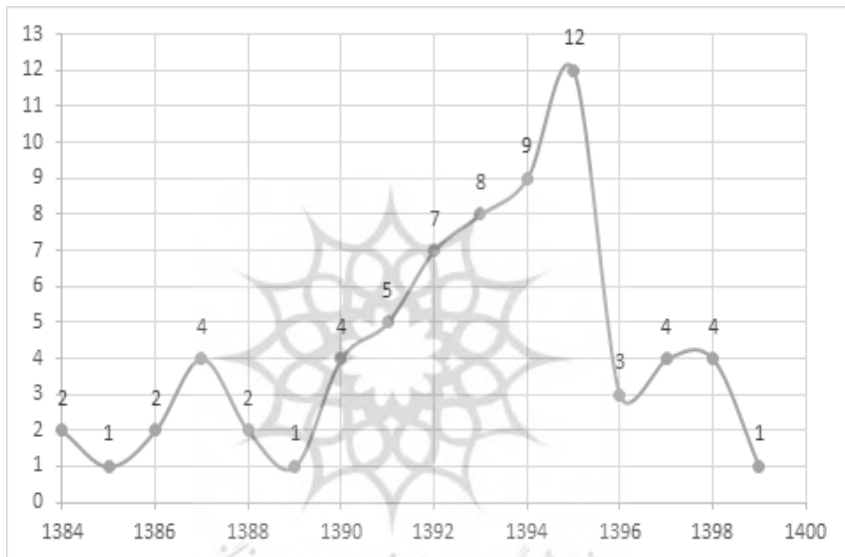
جدول ۱. فراوانی مقالات منتخب به تفکیک مجلات

فراوانی	عنوان مجله	فراوانی	عنوان مجله
۱	پژوهش‌های اقتصادی ایران	۶	رفاه اجتماعی
۱	اقتصاد کاربردی	۳	اقتصاد اسلامی
۱	سیاست‌های مالی و اقتصادی	۳	پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
۱	برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری	۳	راهبرد توسعه
۱	مدیریت دولتی	۳	برنامه‌ریزی و بودجه
۱	مطالعات اقتصادی کاربردی ایران	۳	جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای
۱	مجلس و راهبرد	۳	پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی
۱	اقتصاد و بانکداری اسلامی	۲	گردشگری و توسعه
۱	برنامه‌ریزی و آمایش فضا	۲	روستا و توسعه
۱	آمایش جغرافیایی فضا	۲	سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی
۱	زن در توسعه و سیاست	۲	تحقیقات اقتصاد کشاورزی
۱	نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی	۲	اقتصاد فضا و توسعه روستایی
۱	راهبردهای توسعه روستایی	۲	جغرافیا و توسعه
۱	مطالعات محیطی هفت حصار	۲	سیاست‌های راهبردی و کلان
۱	دانش سیاسی	۲	تحقیقات اقتصادی
۱	بورس اوراق بهادار	۲	اقتصاد کشاورزی و توسعه
۱	مطالعات کمی در مدیریت	۱	جامعه‌شناسی کاربردی
۱	پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی	۱	تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی
۱	تعاون و کشاورزی	۱	مطالعات مدیریت راهبردی
۱	اقتصاد مقداری	۱	حقوق اداری
۱	سیاست‌گذاری عمومی	۱	تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران
		۱	مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان

۳. یافته‌های تحقیق

۱-۳. سیمای کلی مقاله‌ها

همان‌طور که در بخش روش تحقیق بیان شد، یکی از معیارهای جست‌وجو و بررسی مقاله‌ها پوشش زمانی آن‌ها در بازه ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ (پانزده سال اخیر) بوده است. شکل ۱ توزیع زمانی مقالات منتشرشده در این بازه زمانی را نشان می‌دهد.



فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۱. فراوانی مقالات منتشرشده در حوزه فقرزدایی در ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹

شکل ۱ نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ به‌طور مرتب شاهد افزایش فراوانی مقالات منتشرشده در حوزه فقرزدایی بوده‌ایم؛ اما پس از سال ۱۳۹۵، این روند به‌وضوح کاهش چشمگیری داشته است؛ به‌طوری که در سال ۱۳۹۹ فقط یک مقاله در این حوزه چاپ شده است. بررسی این کاهش خود می‌تواند موضوع پژوهشی جداگانه باشد و برای این کار احتمالاً لازم است ترکیب موضوعات گوناگون در مجلات علمی پژوهشی بررسی شود. این روند احتمالاً گویای این است که حوزه پژوهشی مذکور در سال‌های اخیر چندان مورد توجه محققان نبوده و احتمالاً توجه به فقرزدایی به‌تدریج به حاشیه رفته است. البته از آنجایی که جست‌وجوی مقاله در میانه سال ۱۳۹۹ صورت گرفته، این امر نیز محتمل است که در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ مقاله‌های دیگری در این زمینه منتشر شود. بنابراین نمی‌توان با قطعیت نظر دارد.

در **جدول ۲**، ویژگی‌های مقالات مورد بررسی از حیث رویکرد روشی تحقیق، تنوع نویسندگان، موضوع محوری و تخصص نویسندۀ مسئول مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۲. دسته‌بندی مقالات براساس رویکرد روشی، تخصص نویسندۀ مسئول و موضوع محوری

مقوله‌بندی	رسته	فراوانی	درصد	مقوله‌بندی	رسته	فراوانی	درصد
رویکرد تحقیق	کمی	۴۶	٪۶۶	اقتصاد	۳۴	۳۴	٪۴۹
	کیفی	۱۴	٪۲۱	اقتصاد کشاورزی	۱۰	۱۰	٪۱۵
	روش ترکیبی	۹	٪۱۳	جغرافیا	۱۲	۱۲	٪۱۷
تنوع نویسندگان	تکرشته‌ای	۶۴	٪۹۳	مدیریت	۵	۵	٪۸
	چندرشته‌ای	۵	٪۷	جامعه‌شناسی	۵	۵	٪۸
	سیاست‌ها و برنامه‌های فقرزدایی در ایران	۳۹	٪۵۶	علوم سیاسی	۱	۱	٪۱
موضوع محوری	ترکیبی	۱۸	٪۲۶	حقوق	۱	۱	٪۱
	بررسی پدیده فقر در ایران	۱۲	٪۱۸	حسابداری	۱	۱	٪۱

جدول ۲ نشان می‌دهد اغلب پژوهش‌های منتشر شده در این حوزه با رویکرد کمی انجام شده است. این درحالی است که رویکردهای کیفی و به‌خصوص ترکیبی می‌توانند توصیف عمیق‌تر و موشکافانه‌تری از مسئله فقرزدایی و ابعاد آن به‌دست دهند. به‌نظر می‌رسد برای تدوین برنامه‌های فقرزدایی کارآمد و نتیجه‌بخش شناخت ویژگی‌های اختصاصی و محلی شهرها و روستاها ضرورت دارد و این امر نیز نیازمند پژوهش‌های کیفی یا پژوهش‌هایی با روش‌های ترکیبی است. از سوی دیگر عمده تحقیقات را اقتصاددانان انجام داده و به بُعد اقتصادی فقر بیش از سایر جنبه‌ها پرداخته‌اند و این بررسی‌ها نیز عمدتاً با ارجاع به

داده‌های کلان و ملی صورت گرفته است. این درحالی است که سهم مطالعات اجتماعی در مطالعات فقرزدایی چندان نظرگیر نیست. جامعه‌شناسان و دیگر محققان علوم اجتماعی می‌توانند جنبه‌های تاریک و مغفول زیادی از پدیده فقر در ایران را روشن کنند.

۲-۳. جامعه مورد مطالعه

جدول ۳ براساس جامعه مورد مطالعه تحقیق تنظیم شده است. این جدول نشان می‌دهد در برخی استان‌ها، مانند کردستان، پژوهشی در زمینه فقرزدایی در بازه زمانی مورد نظر صورت نگرفته است. در دیگر استان‌ها هم اغلب فقط ۱ پژوهش انجام شده است. این جدول نمایانگر این است که تا چه اندازه در زمینه مطالعات منطقه‌ای و محلی فقرزدایی، با کمبود داده و پژوهش‌های میدانی مواجهیم. از میان تمام این پژوهش‌ها، فقط ۸ پژوهش به مناطق روستایی پرداخته‌اند و مابقی بر شهرها متمرکز بوده‌اند.

جدول ۳. جامعه مورد مطالعه در مقالات منتخب

فراوانی	جامعه مورد مطالعه	فراوانی	جامعه مورد مطالعه
۸	مناطق روستایی	۶	کشورهای درحال توسعه منتخب (ایران)
استان‌های مورد مطالعه			
۱	سیستان و بلوچستان	۶	تهران
۱	سمنان	۵	فارس
۱	اصفهان	۴	مازندران
۱	قم	۳	گیلان
۱	خراسان رضوی	۲	یزد
۱	همدان	۲	لرستان
۱	مرکزی	۲	گلستان
۱	آذربایجان شرقی	۲	کرمان
۱	خراسان شمالی	۲	قزوین
۱	خراسان جنوبی	۲	ایلام
۱	خوزستان	۲	کرمانشاه
۱	هرمزگان	۱	زنجان
۳۴	تمام استان‌ها	۱	کهگیلویه و بویراحمد

در بخش بعد، یافته‌های حاصل از بررسی تحقیقات حوزه فقرزدایی در سه دسته تحلیل شده است؛ به این ترتیب که ابتدا موضوعات اصلی مقالات استخراج و سپس دسته‌بندی شد. در دسته نخست، به چستی و اولویت فقرزدایی از منظر این مطالعات پرداخته شده است. در دسته دوم، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده در زمینه فقرزدایی و کاهش فقر ذکر شده است. در نهایت در دسته سوم، عوامل شکست و ناکامی برخی برنامه‌های فقرزدایی مطرح شده است.

۳-۳. چستی و اولویت‌های فقرزدایی

یکی از گام‌های کلیدی در اتخاذ راهبرد مناسب برای مقابله با فقر شناخت ابعاد مختلف این پدیده و دستیابی به توصیفی جامع از آن است تا از این طریق بتوان اولویت‌های فقرزدایی را به‌دقت شناسایی کرد و بر این اساس راهکارهای کارآمدتری ارائه داد. همچنین پیش‌نیاز بررسی برنامه‌ها و راهبردهای فقرزدایی، شناخت ابعاد و ویژگی‌های خاص آن در جامعه ایران است. اگرچه پژوهش‌های بین‌المللی زیادی در مورد فقر انجام شده، انتظار آن است که در سطح ملی و محلی، تحلیل جامعی از فقر در جامعه ایران ارائه شده باشد؛ به‌گونه‌ای که بتوان این پدیده را با ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، محیط‌زیستی و سیاسی جامعه ایران مرتبط کرد. با همین دیدگاه تلاش شد در مقالات جمع‌آوری شده تصویری چندبعدی از فقر در ایران ارائه شود.

فقر به‌معنای ناتوانی در دستیابی به سطح تعیین‌شده‌ای از استانداردهای زندگی است (پورمختار و مقدسی، ۱۳۹۵). در تعاریفی که معمولاً از فقر ذکر می‌شود، عمدتاً بُعد اقتصادی آن بیش از سایر ابعاد مورد توجه قرار می‌گیرد و معمولاً از معیارهایی همچون درآمد برای تعیین خط فقر و سطح زندگی افراد استفاده می‌شود و این‌گونه افراد فقیر و غیرفقیر از یکدیگر تمیز داده می‌شوند (عزتی و محمودیان، ۱۳۹۳، ص. ۳۴). اما فقر پدیده‌ای چندبعدی و دارای وجوه متعدد است؛ پس نمی‌توان پذیرفت یک مرز عددی برای درآمد بتواند در جامعه‌ای بزرگ فقیر و غیرفقیر را از هم متمایز کند.

اولویت‌های برنامه‌های فقرزدایی را می‌توان در چند دسته مطرح کرد. نخست آنکه، اهمیت برنامه‌های فقرزدایی در ایران در مقایسه با سایر جوامع باید اهمیتی مضاعف داشته باشد؛ زیرا در قانون اساسی و در گفتمان پایه‌گذاران و رهبران نظام جمهوری اسلامی، به تحقق عدالت و فقرزدایی، به‌منزله اهداف نظام اسلامی، اهمیت دوچندانی داده شده است (نظرپور، اشراقی و خواجه‌سعید، ۱۳۹۲). این موضوع از آن جهت برای نظام اسلامی اهمیت دارد که فقر علاوه‌بر اینکه فرد را از نظر اقتصادی در تنگنا قرار می‌دهد، شأن و کرامت انسانی او را نیز به‌خطر می‌اندازد. پس دولت باید امکاناتی را فراهم بیاورد تا استانداردهای زندگی برای همگان محقق شود (حبیب‌نژاد و سلمانی،

۱۳۹۸). اما تا به امروز این امر به‌خوبی حاصل نشده و عدم تخصیص بهینه و عادلانه منابع به قشرهای مختلف، نرخ بالای تورم، کاهش نرخ اشتغال و اختلاف درآمد فاحش میان طبقات گوناگون موجب بروز فقر شده و به بیان دیگر، موفقیت چشمگیری در زمینه تعدیل فقر رخ نداده است (نظریور و دیگران، ۱۳۹۲).

دسته دوم از مطالعات به تفاوت فقر در مناطق شهری و روستایی اشاره کرده‌اند. به‌باور پورمختار و مقدسی (۱۳۹۵) و پورطاهری، طالبی و رکن‌الدین (۱۳۸۹)، در اغلب کشورها واژه فقر با روستا و کشاورزی عجین شده و این مسئله در کشورهای در حال توسعه ملموس‌تر است. به‌طور کلی فقر در نواحی شهری و روستایی، به‌دلیل تفاوت در ماهیت مشاغل آن‌ها، صورت‌های متفاوت به خود می‌گیرد (زیبایی و شوشتریان، ۱۳۸۶). آمارهای موجود در این زمینه نیز حاکی از این است که درصد قابل توجهی از جمعیت ساکن در مناطق روستایی با محرومیت مواجه‌اند و شدت و تداوم این محرومیت‌ها و گسترش آن در جامعه روستایی به مهاجرت بی‌رویه به شهرها و حاشیه‌نشینی فزاینده، افزایش بیکاری، کاهش شمار تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، بالا رفتن آمار بیکاری و بزهکاری انجامیده است (اشراقی‌سامانی، فتاحی و چهارسوقی، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه روستاها قلب اقتصاد کشور به‌شمار می‌آیند و بالتبع بهبود بخش کشاورزی نقش ویژه‌ای در وضعیت معیشتی مردم و کاهش نرخ فقر دارد، محققان معتقدند توسعه روستایی یکی از زیرشاخه‌های اصلی فرایند توسعه است (یاسوری، افقی و امامی، ۱۳۹۶). بنابراین توجه به بخش کشاورزی و اعطای تسهیلات به کشاورزان، در تعدیل فقر روستایی، به‌عنوان یکی از اولویت‌های مهم فقرزدایی، اهمیت بسیاری دارد (صادقی و داودی، ۱۳۹۰، قرنی‌آرانی، ۱۳۹۴).

در دسته سوم از تحقیقات، بر این مهم تأکید شده که شدت و فراوانی مسئله فقر نه‌تنها در مکان‌های شهری و روستایی تفاوت دارد، بلکه با توجه به جنسیت نیز صورت متفاوتی به خود می‌گیرد. زنان همواره یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه هستند و عوامل متعددی همچون سهم اندک آنان از اشتغال و سهم نابرابر در تحصیل موجب بروز نابرابری مضاعف برای آنان در مقایسه با مردان شده است. در این بین، بروز نابرابری و عدم اشتغال در زنانی که سرپرستی خانواده را عهده‌دار بوده و از درآمد کافی برخوردار نیستند، مشکلات متعددی را به‌بار می‌آورد. احتمال گرفتاری به فقر در خانواده‌هایی با سرپرست زن بیشتر از خانواده‌هایی با سرپرست مرد است. با گرفتار شدن در فقر، زن سرپرست خانواده و یا فرزندان از روی استیصال وارد بازار کار غیررسمی می‌شوند و بدین طریق، آسیب‌های اجتماعی گوناگون و معضلات اخلاقی و رفتاری نیز آنان را تهدید کند (حبیب‌نژاد و سلمانی، ۱۳۹۸؛ راغفر و سلیمانی، ۱۳۹۵). به همین سبب این گروه باید در اولویت سیاست‌های فقرزدایی قرار گیرند.

۴-۳. سیاست‌ها و تمرکز برنامه‌های فقرزدایی

همان‌طور که بیان شد، فقر پدیده‌ای چندسویه و ریشه‌بسیاری از مسائل و چالش‌های اجتماعی است (اثنی‌عشری و میکائیلی، ۱۳۹۳). این پدیده مانع توسعه انسانی در ابعاد مختلف می‌شود و آن را با مخاطره مواجه می‌سازد (هوشمند، مصطفوی، احمدی‌شادمهری و محقق، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه رابطه‌ی علی میان فقر و دیگر پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی برقرار است، تعدیل آن می‌تواند بسیاری از ناهنجاری‌هایی مانند فساد و بزهکاری را تقلیل دهد (پورعزت و نجابت، ۱۳۹۱). به همین دلیل تلاش برای تعدیل فقر از طریق تدوین راهبردهای اصولی و منسجم اهمیت فراوان دارد و یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاران حوزه فقرزدایی محسوب می‌شود (ثنایی، معمارزاده و دانش‌فرد، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۴؛ صادقی، باسحا و شقاقی‌شهری، ۱۳۸۷؛ آذری و دیزجی، ۱۳۹۵). در تحقیقات مورد بررسی، به برخی از سیاست‌ها و برنامه‌هایی که در حوزه‌های مختلف به‌جهت فقرزدایی طراحی شده‌اند، اشاره شده است.

در چند دهه اخیر، نرخ بالای تورم در بخش کشاورزی و درآمد روستاییان تأثیر منفی گذاشته و موجب کاهش درآمد و رفاه آنان شده است (پورمختار و مقدسی، ۱۳۹۵). کشاورزی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی مردم در روستا، علاوه‌بر اشتغال‌زایی مستقیم اشتغال‌زایی غیرمستقیم هم ایجاد می‌کند و در صورت سرمایه‌گذاری فرهنگی و تدارک امکانات برای فعالیت‌های کشاورزی، افزون‌بر تعدیل فاصله درآمدی میان مناطق روستایی، شکاف بین فقیر و غنی نیز تقلیل می‌یابد (فره‌مند، طیبی و کریمی، ۱۳۹۲). از این جهت اهتمام به این بخش و بهبود معیشت و افزایش رفاه کشاورزان می‌تواند موجب تحقق حداقلی عدالت اجتماعی در سطح ملی شود. برای این منظور، سرمایه‌گذاری در جهت توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی و متصل کردن بخش کشاورزی به صنعت یکی از راهکارهایی است که دولت می‌تواند با بهره‌گیری از آن کشاورزی را احیا کند و روستاییان را به ماندن در روستا تشویق نماید (سروری، کرباسی، دانشور کاخکی و هاتف، ۱۳۹۱). یکی از معضلات بخش کشاورزی پایین بودن بهره‌وری به‌دلیل استفاده نکردن از شیوه‌های نوین و تکیه بر روش‌های نامناسب و سنتی است (شیروانیان و نجفی، ۳۹۰۱) که موجب زایل شدن منابع و بازده پایین این بخش می‌گردد. تأمین نهاده‌های تولیدی برای کشاورزان در زمان مقرر و مناسب از سوی تعاونی‌های روستایی یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش فقر روستایی است (اشراقی‌سامانی و دیگران، ۱۳۹۵). با این حال، استفاده از راهبردهای دیگر، همچون ایجاد فرصت‌های شغلی متفاوت با کشاورزی، می‌تواند دایره انتخاب فرد برای انتخاب شغل را بازتر کند و موجب تداوم سکونت در روستا (صادقی و داوودی، ۱۳۹۰) و توقف مهاجرت بی‌رویه به شهرها شود. صابری‌فر و قیصاری (۱۳۸۸) معتقدند در طی ۱۰ سال، کسانی که تلاش کرده‌اند تا شیوه معیشت

خود را متنوع کنند و به فعالیت‌هایی فراتر از کشاورزی اقدام نموده‌اند، موفقیت بیشتری در تعدیل فقر به‌دست آورده‌اند.

استفاده از ظرفیت‌های وقف و نذورات و به‌طور کلی امور خیر دینی یکی از اقدامات مؤثر در زمینه فقرزدایی است. **عزتی و محمودیان (۱۳۹۳)** و **صادقی، فتحی و شفیعی (۱۳۹۱)** نذورات و وقف را یکی از منابع و متغیرهای تأثیرگذار بر فقرزدایی در کشورهای اسلامی می‌دانند. انفاق در زندگی مسلمانان نوعی هزینه‌کرد مذهبی است که شامل صورت‌های مختلفی همچون صدقه، اکرام ایتام و کمک‌هزینه‌های جهیزیه است که معمولاً به‌وسیله سازمان‌هایی همچون کمیته‌های امداد و بهزیستی جمع‌آوری می‌شود. وقف نیز اگر توسط نهادهای متولی به‌درستی مدیریت و هزینه شود، راهکار مطلوبی برای فقرزدایی خواهد بود. اما نتایج تحقیق **موسایی و کرمی (۱۳۸۷)** و **نصیرخانی، عزتی و نظام‌پرست (۱۳۹۷)** حاکی از این است که بیشتر موقوفه‌های مردم صرف حرم‌ها و امام‌زاده‌ها می‌شود و این‌گونه اثر ملموسی بر کاهش فقر برجای نمی‌گذارد. علاوه بر وقف، به کارکردهای مثبت زکات در جهت کاهش فقر نیز می‌توان اشاره کرد. نتایج تحقیق **اثنی‌عشری و میکائیلی (۱۳۹۳)** ناظر بر این است که درآمد حاصل از زکات در استان‌های شمالی برای رفع فقر مؤثر واقع شده است. زکات را می‌توان برای فقرا صرف کرد و زمینه بهبود کیفیت کار و افزایش سرمایه انسانی و همچنین فرصت اشتغال برای افراد محروم را فراهم آورد.

رشد جهان‌شمول در بخش‌های مختلف اقتصادی یکی از عوامل اساسی در زمینه کاهش فقر است (**پروین، بانویی و عباسیان‌نیگجه، ۱۳۹۲**). تجربه کشورهای آسیای شرقی نشان می‌دهد اگر رشد اقتصادی با کاهش نابرابری و تعادل در توزیع درآمد همراه باشد، به میزان قابل توجهی در کاهش فقر، به‌خصوص در کشورهایی با درآمد پایین، اثرگذار است. بنابراین زمانی که نابرابری از وجوه مختلف کاهش می‌یابد، سهم قشرهای فقیر نیز از منافع رشد افزایش پیدا می‌کند (**نظریور و دیگران، ۱۳۹۲؛ خدایپرست و داودی، ۱۳۹۲**)؛ زیرا نابرابری درآمدی یکی از عوامل تشدیدکننده محرومیت و شکاف میان فقیر و غنی است (**فرهمند و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۹؛ فطرس و شهبازی، ۱۳۹۴**).

یکی از برنامه‌های دولت به‌منظور کمک به قشرهای ضعیف طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بوده است. این برنامه نوعی سیاست حمایتی بود که با هدف اصلاح قیمت‌ها و کمک به فقرزدایی صورت گرفت و بر مواردی همچون وضعیت خانوار، فقر و توزیع درآمد و قدرت خرید خانوارها اثرگذار بود. یکی از اهداف متصور برای پرداخت مستقیم یارانه‌ها برقراری عدالت و افزایش قدرت خرید خانوارها بوده است. مطابق با یافته‌های پژوهش **مجاوریان و رئیسی (۱۳۹۳)**، در سال ۱۳۹۰ پس از اجرایی شدن هدفمندی یارانه‌ها فقر

به طور چشمگیری کاهش یافت. اما نتایج دیگر تحقیقات حاکی از این است که پرداخت یارانه تأثیر معناداری بر فقر نداشته است. پرداخت مستقیم یارانه‌ها ممکن است در حفظ موقعیت افراد فقیر اثر بگذارد، اما از سوی دیگر به کاهش عرضه نیروی کار منجر می‌شود که این مسئله اثر مثبت هدفمندی و تأثیر آن بر تعدیل فقر را کاهش می‌دهد. بنابراین ناکامی این طرح را شاید بتوان ناشی از جهت‌گیری نامناسب آن در قبال برابری میان غنی و فقیر دانست. پرداخت مستقیم یارانه بعضاً به تعطیلی برخی واحدهای تولیدی و افزایش نرخ بیکاری و کاهش درآمد انجامید (اعمی‌بنده‌قزایی، خدادادکاشی و موسوی‌چهرمی، ۱۳۹۸؛ یارشائل و حبیبیان‌نقیبی، ۱۳۹۴). در تحقیقی دیگر، بزازان، قاسمی و راغفر (۱۳۹۴) معتقدند در طی سال‌هایی که یارانه به صورت مستقیم به مردم داده شده، عملکرد دولت نیز در خصوص کمک به کاهش فقر چشمگیر نبوده است. این مسئله می‌تواند ناشی از افزایش تورم و نرخ ارز باشد.

استفاده از ظرفیت‌های گردشگری در تمام کشورها می‌تواند یکی از راهبردهای فقرزدایی باشد. این امر نقش مثبتی در تغییر توزیع درآمد دارد. رونق صنعت گردشگری، به‌ویژه در نواحی روستایی که عمدتاً از طریق کشاورزی به تأمین معاش می‌پردازند (خدابخشی، ۱۳۹۶؛ هوشمند و دیگران، ۱۳۹۲)، در کاهش شدت فقر اثر مثبت می‌گذارد و فقرا را توانمند (رضوانی، بدری و ترابی، ۱۳۹۷) می‌سازد. سیاست‌های توسعه حوزه گردشگری در متنوع‌سازی اقتصادی و توسعه پایدار نقش مهمی دارد. استفاده از ظرفیت‌های گردشگری، به‌ویژه در روستاها، موجب ایجاد فرصت‌های شغلی فراتر از کشاورزی برای بومیان و احیای اقتصاد محلی می‌شود و گسترش آگاهی و روابط اجتماعی را نیز در پی دارد. بنابراین توجه به توسعه و عمران روستایی از بروز مهاجرت‌های فزاینده به مناطق شهری جلوگیری می‌کند (ترکمانی و جمالی‌مقدم، ۱۳۸۷). اما در ایران با وجود برخورداری از جاذبه‌های گردشگری شناخته‌شده، کمتر از آن‌ها در جهت ایجاد شغل و کسب درآمد استفاده می‌شود (شکوری و بهرامی، ۱۳۹۳).

تأمین اعتبارات خرد یکی دیگر از راهکارهای مؤثر در جهت فقرزدایی تلقی می‌گردد (حسن‌زاده، ازوجی و قویدل، ۱۳۸۵). این سیاست بدین منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد که بتوان تسهیلات مالی را به سمت فقرا و افراد با درآمد پایین و کسانی که در اخذ اعتبارات از مؤسسات مالی با موانع مواجه‌اند، هدایت کرد. اعتبارات خرد در واقع همان عرضه وام‌هایی با مبالغ کم و بدون ضامن است که به افراد محروم پرداخت شده و در مدت زمان کوتاهی بازپرداخت می‌شود (پورعزت و نجابت، ۱۳۹۱). بدین ترتیب، زمانی که تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش خصوصی زیاد باشد، مردم عادی نیز می‌توانند از این تسهیلات بهره‌مند شوند و زمینه اشتغال و درآمدزایی برای افراد بیشتری در بخش خصوصی مهیا می‌گردد و این امر موجب تقویت روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس در افراد می‌شود؛

اما در اغلب موارد، فقط قشرهای محدودی از جامعه از مزایای توسعه مالی بهره می‌برند و این امر موجب نابرابری و بالتبع گسترش فقر در جامعه می‌شود (حسنوند و نادمی، ۱۳۹۶؛ آذری و دیزجی، ۱۳۹۵). نتایج تحقیق شاه‌آبادی و امیری (۱۳۹۲) نشان می‌دهد با توجه به کسری بودجه‌ای که در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، افزایش عرضه پول می‌تواند نرخ فقر را نیز افزایش دهد.

بیکاری و فقدان درآمد کافی یکی از عوامل مهمی است که موجب گسترش و تداوم فقر می‌شود و فرد بیکار معمولاً به دلیل فقدان درآمد کافی، بیشتر در معرض فقر و انواع ناهنجاری‌ها قرار می‌گیرد (آذری و دیزجی، ۱۳۹۵؛ فرهنگ و دیگران، ۱۳۹۲). در میان سیاست‌هایی که برای فقرزدایی بیان شد، تولید شغل و کمک به اشتغال‌یابی یکی از پایدارترین برنامه‌ها به‌شمار می‌رود. در این بین، تقویت برنامه‌های مهارت‌آموزی و توانمندسازی افراد، برنامه‌های خوداشتغالی و مشاغل خانگی و اعطای وام‌های کم‌بهره از جمله برنامه‌هایی است که در جهت اشتغال‌زایی به‌کار گرفته می‌شود (مصطفائی، خدادادکاشی و موسوی‌چهرمی، ۱۳۹۹؛ احمدی‌شادمهری و داوودی، ۱۳۹۴؛ ترکمانی و جمالی‌مقدم، ۱۳۸۷). یافته‌های رئیسی، نجفی و باقری (۱۳۹۲) نشان می‌دهد مشارکت و فعالیت زنان در تعاونی‌های روستایی از طریق افزایش سطح مشارکت آنان، احتمال فقر در این خانواده‌ها را کاهش می‌دهد و تأثیر بسزایی در اشتغال‌زایی دارد. همچنین میان برنامه‌های خوداشتغالی، ارائه آموزش و برنامه‌های مهارت‌آموزی و اعطای وام‌های کم‌بهره با فقرزدایی رابطه معناداری وجود دارد. محمدپور، بوستانی و علیزاده (۱۳۹۱)، مطرح می‌کنند وام‌های اشتغال‌زایی باید در رأس برنامه‌های حمایتی سازمان‌های متولی قرار گیرد؛ زیرا از طریق اجرای این سیاست و دستیابی به سرمایه ثابت، راه‌اندازی کسب‌وکار و فرصت شغلی با سهولت بیشتری تحقق می‌یابد. مشاغل خانگی نیز یکی دیگر از ظرفیت‌های بالقوه کمک به فقرزدایی است؛ زیرا در مقایسه با سایر برنامه‌ها با سهولت بیشتری انجام می‌شود و موجب مرتفع شدن نیازهای محلی و نوآوری در عرضه محصول یا خدمات می‌گردد (امیدی و چهارسوقی، ۱۳۹۷). بنابراین باید از توانمندی‌های افراد محروم در جهت بهبود وضعیت ایشان استفاده کرد؛ زیرا نادیده گرفتن توانایی افراد محروم مغایر با سیاست‌های کلان و پایداری است که برای تعدیل فقر تعریف شده است (راغفر و سلیمانی، ۱۳۹۵).

در کشورهای در حال توسعه توسعه بخش صنعت از جمله راهبردهایی است که به‌منظور رشد اقتصادی و فقرزدایی به‌کار گرفته می‌شود. بخش صنعت موتور محرکه اقتصاد به‌شمار می‌آید و کمک شایانی به اشتغال‌زایی می‌کند. براساس نتایج تحقیق مصطفائی و دیگران (۱۳۹۹)، اشتغال در بخش صنعت تأثیر بسیاری در کاهش فقر در مناطق مورد مطالعه داشته است؛ اما باید به این نکته نیز توجه کرد که رشد صنعتی زمانی بر کاهش فقر تأثیر

مثبت می‌گذارد که قشرهای محروم در فعالیتهای اقتصادی مشارکت داشته باشند و از سوددهی آن بهره‌مند شوند. این مهم منوط به آن است که توسعه صنایع در استان‌های کم‌برخوردار بیشتر مورد توجه قرار گیرد. **مصطفائی، خدادادکاشی و موسوی (۱۳۹۸)** در پژوهش خود اظهار کرده‌اند که توسعه صنعتی در مناطق مختلف جغرافیایی زمینه کاهش محرومیت و افزایش رفاه را فراهم می‌آورد.

یکی دیگر از برنامه‌هایی که در جهت کمک به قشرهای ضعیف پیشنهاد می‌شود، اصلاح شیوه اخذ مالیات است؛ بدین صورت که دولت می‌تواند افرادی را که درآمدها از حداقل تأمین نیازهای معیشتی کمتر است، از پرداخت مالیات معاف کند (**پورعزت و نجابت، ۱۳۹۱**). این‌گونه از یک سو نابرابری و شکاف درآمدی در جامعه کاهش می‌یابد و رشد اقتصادی نیز تسریع می‌یابد (**افقه، مطلب‌نژاد و غبیشاوی، ۱۳۹۸**) و از سوی دیگر وضعیت معیشتی افراد فقیر بهبود پیدا می‌کند (**زیاری و موسوی، ۱۳۸۷**).

امروزه به نقش شرکت‌های خصوصی در کمک به کاهش معضل فقر در کنار سایر نهادهای دولتی و غیرانتفاعی نیز می‌توان اشاره کرد. این شرکت‌ها از طریق ایجاد شغل و تأمین کالا و خدمات در کاهش فقر نقش آفرینی می‌کنند. در صورتی که شرکت‌های خصوصی مسئولیت اجتماعی خود را به‌درستی ایفا کنند، می‌توانند با تمرکز بر کالاهایی که نفع اجتماعی دارند، به حذف فقر کمک کنند و از منافع سرمایه‌داری نیز بهره ببرند (**مجته‌دزاده و طبقیان، ۱۳۸۹**).

۳-۵. چالش‌ها و ناکارآمدی سیاست‌های فقرزدایی

در این بخش به چالش‌های اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های فقرزدایی پرداخته شده است. همان‌طور که ذکر شد، در ایران تا کنون برنامه‌های متعددی به‌منظور فقرزدایی اجرا شده است. اما برخی برنامه‌ها به‌دلایلی همچون نبود شناخت صحیح از وضعیت کشور، صورت‌بندی نادرست مسائل و ناهماهنگی میان نهادهای گوناگون، در زمینه اجرا دچار چالش‌هایی بوده‌اند (**ارائی، ۱۳۸۴**). در سال‌های پس از انقلاب، با وجود تلاش‌های بسیار برای برقراری عدالت اجتماعی و محرومیت‌زدایی توسط دولت و سایر نهادهای اجتماعی و حمایتی و هزینه‌کردهای مالی و نیروی انسانی، بازده مطلوب و مورد انتظار رخ نداده است.

احتمالاً یکی از علل ناکامی در حل معضل فقر در ایران فقدان برنامه راهبردی و مدون برای کاهش معضل فقر بوده است. معمولاً سیاست‌هایی که برای رفع فقر تدوین می‌گردد، هرکدام به‌صورت موردی هدفی را در نظر می‌گیرند و برنامه نظام‌مند

و هدفمند برای حل این معضل ارائه نمی‌شود (خاندوزی، شهسواری و علم‌خواه، ۱۳۹۴). فقر پدیده‌ای مقطعی نیست که در کوتاه‌مدت از بین برود؛ بلکه به دلیل پیچیدگی و گستردگی و ارتباط با سایر متغیرهای اجتماعی مأمی برای بروز و گسترش ناپهنجاری‌های اجتماعی است. لذا تعدیل فقر نیازمند تدوین برنامه بلندمدت و پایدار است که قابلیت اجرا و تضمین داشته باشد؛ البته پیچیدگی این پدیده نیز خود مانعی بر سر تدوین رویکردی جامع است. با این حال، رویکرد کنونی دولت بیشتر رفاهی و کوتاه‌مدت است و توانمندسازی چندان مورد توجه نگرفته است و ارتباط زیادی نیز میان سیاست‌های فقرزدایی وجود ندارد (نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ زیبایی و شوشتریان، ۱۳۸۶؛ الوانی و دیگران، ۱۳۹۳).

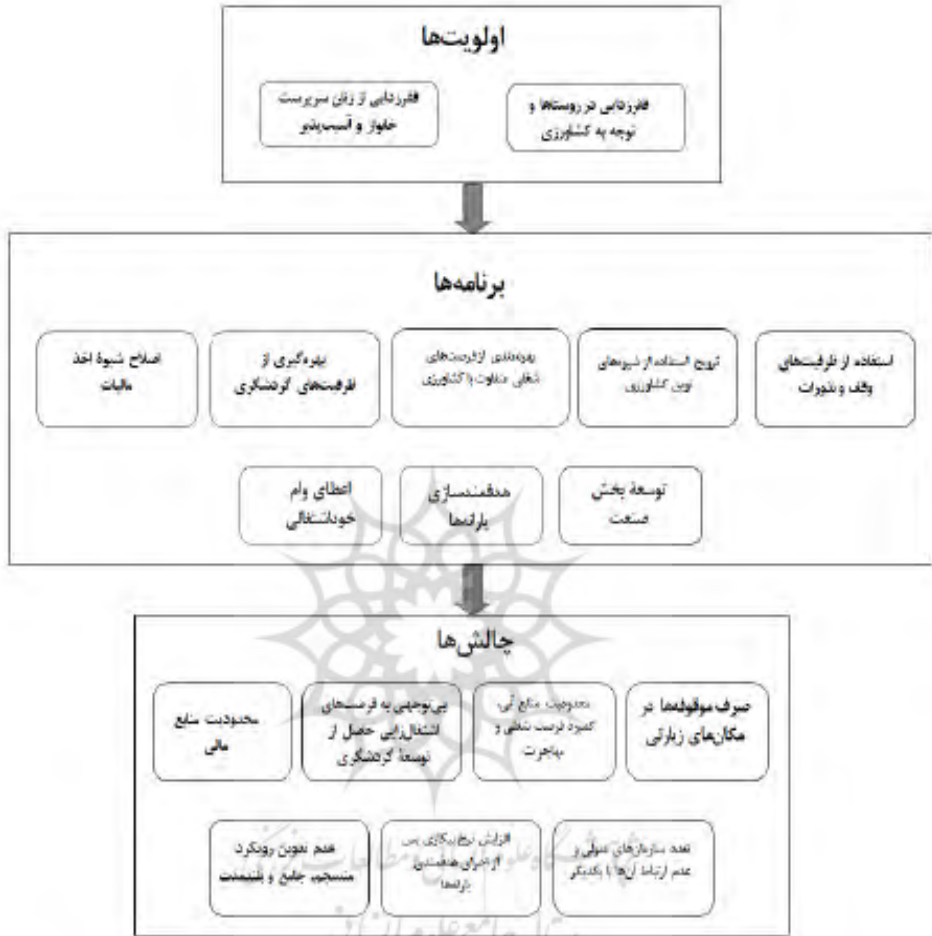
یکی از عوامل مطرح‌شده حول چالش‌های فقرزدایی بحث نابرابری است. برای مثال باینکه در طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ رشد اقتصادی تا حدی به نفع افراد فقیر بوده، به دلیل وجود نابرابری در جامعه، سود و مزیت‌های به‌دست‌آمده آن‌طور که باید، به قشرهای فقیر تخصیص داده نشده است. از این رو برای رفع فقر ابتدا لازم است با اجرای راهکارهای مختلف، سطح نابرابری در جامعه کاهش یابد تا متعاقب آن، سهم فقرا از منافع رشد افزایش پیدا کند (باقری و کاوند، ۱۳۸۷). یکی از مواردی که به‌نوعی در افزایش نابرابری‌ها اثرگذار واقع می‌شود، دسترسی نداشتن به منابع مالی و محدودیت‌هایی است که برای اخذ وام و تسهیلات وجود دارد. این مسئله افراد محروم و تحت پوشش سازمان‌های حمایتی را با چالش‌های زیادی مواجه می‌کند و به دلیل ساز کارهایی که برای دریافت تسهیلات وجود دارد، این افراد معمولاً کمتر قادر به اخذ وام می‌شوند (گوهری، ابوترابی و گوهری، ۱۳۹۳) و همین مسئله عرصه راه‌اندازی کسب‌وکار و بهبود شرایط معیشتی را برای آن‌ها تنگ‌تر می‌کند.

طرح هدفمندسازی یارانه‌ها یکی از برنامه‌هایی بوده که با هدف اصلاح قیمت‌ها و کمک به قشرهای آسیب‌پذیر صورت گرفته است. اجرای این طرح در کوتاه‌مدت می‌توانست موجب افزایش قدرت خرید افراد شود، اما به دلیل جهت‌گیری نادرست در اجرای این طرح، اثر مثبت آن تا حد زیادی خنثی شد (پارشائل و حبیبیان‌نقیبی، ۱۳۹۴)؛ برای مثال در اجرای این طرح، منافع میان فقیر و غنی یکسان در نظر گرفته شد و از همین رو بهره ویژه‌ای نصیب افراد محروم نشد. همچنین پس از اجرای این طرح، برخی واحدهای تولیدی تعطیل شد و این مسئله به افزایش نرخ بیکاری و کاهش درآمد انجامید. بنابراین تمام این موارد موجب کاهش اثربخشی اجرای این طرح شده و تأثیر چشمگیری نیز بر کاهش فقر برجای نگذاشته است (اعمی‌بنده قرایی و دیگران، ۱۳۹۸).

بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های افراد محروم و استفاده از روش‌های مردم‌محور کارایی بسیاری در امر فقرزدایی دارد. بدین ترتیب، افراد محروم این فرصت را پیدا می‌کنند تا با مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد به خودکفایی نزدیک‌تر شوند و این امر به فقرزدایی کمک می‌کند (اسکندری‌ثانی و سجادی، ۱۳۹۳). این‌گونه درصد موفقیت و اثربخشی برنامه‌های توانمندسازی نیز افزایش می‌یابد (قرنی‌آرانی، ۱۳۹۴؛ ابراهیم‌زاده، اسکندری‌ثانی و رمضان‌پور، ۱۳۹۵). یکی از ایرادهایی که درخصوص سیاست‌ها و برنامه‌های توانمندسازی و توان‌افزایی به سازمان‌های متولی حمایتی وارد است، مدت زمان حمایت از خانوارهای مددجوست. این زمان با توجه به ویژگی‌های هر خانواده متغیر و معمولاً ۶ ماه و یا بیشتر است؛ اما در چنین مدتی کمتر می‌توان انتظار توانمندی و استقلال فرد مددجو را داشت. همچنین با توجه به محدودیت‌ها در دریافت وام و تسهیلات، این افراد کمتر قادر به استفاده از چنین منابعی هستند و همین مسئله روند دستیابی به استقلال و خودکفایی آنان را متأثر می‌سازد (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۲).

مسئله مهم دیگر تعدد سازمان‌های دولتی و خصوصی متولی فقرزدایی و عدم ارتباط مؤثر آن‌ها با یکدیگر و همچنین نبود عزم و اراده کافی سیاست‌گذاران برای مبارزه با فقر است (ثنایی و دیگران ۱۳۹۵؛ محمودی، ابوبی‌اردکانی، عبدالله‌میلانی و شعبانی، ۱۳۹۷). در هر حال، راهبردها و برنامه‌های فقرزدایی در هر جامعه باید مترتب بر شرایط و ظرفیت‌های اقتصادی، انسانی و اجتماعی همان جامعه باشد تا نتیجه مطلوب و اثربخشی از اجرای آن حاصل گردد.

شکل ۲ خلاصه‌ای است از آنچه درباره اولویت‌ها، برنامه‌ها و چالش‌ها گفته شد. در شرایط مطلوب، انتظار می‌رود اولویت‌ها و برنامه‌ها با هم ارتباط دوسویه داشته باشند و چالش‌ها تجربه‌ای برای بهبود و ارتقا در آینده شوند. از مطالعه مروری تحقیقات در حوزه فقرزدایی در ایران مشاهده شد که علی‌رغم وجود موضوعات مشترک و نقاط تمرکز مشابه، نحوه مرتبط شدن عناصر روشن نیست؛ به این معنا که اگر به صورت بلندمدت به برنامه‌ها و سیاست‌های فقرزدایی در چند دهه گذشته نگریسته شود، با دشواری می‌توان نقاط مشترک میان این برنامه‌ها مشاهده کرد. پراکندگی و گسیختگی برنامه‌ها چالش‌ها را افزایش داده است و از آنجایی که عموماً برنامه‌ها به شکل کوتاه‌مدت و حداکثر به اندازه عمر یک دولت انجام می‌شود، اغلب زمان مناسب برای رفع چالش‌ها صرف نمی‌شود. به همین دلیل است که بیشتر چالش‌های قابل مشاهده در **شکل ۲** کماکان وجود دارد و به‌قدر مطلوب به آن‌ها پرداخته نشده است.



شکل ۲. اولویت‌ها، برنامه‌ها و چالش‌های حوزهٔ فقرزدایی

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه ارائه یافته‌هایی از پژوهش‌های فقرزدایی در ایران، در پانزده سال گذشته، بوده است. برای این منظور تلاش شد تمام مقاله‌های علمی منتشرشده در این حوزه گردآوری و بررسی شود. از آواکوی این مقالات دریافت شد که باوجود انجام پژوهش‌های بسیار در زمینه فقر و فقرزدایی در کشور و ارائه تحلیل‌های

مدون از فقرزدایی در سطوح محلی و منطقه‌ای، این مطالعات به‌هیچ‌وجه کافی نیست؛ به‌خصوص اینکه جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی فقر مغفول مانده و تمرکز مطالعات بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی و کلان بوده و از حیث سایر وجوه این کمبود چشمگیرتر است.

با همین استدلال می‌توان خواستار انجام پژوهش‌های جامعه‌شناختی، تربیتی و روان‌شناختی در حوزه فقر در پهنه‌های گوناگون کشور شد؛ زیرا صرفاً با تکیه بر تحقیقات اقتصادی نمی‌توان انتظار پوشش سایر متغیرهای اجتماعی را داشت. برای تدوین برنامه‌های مؤثر و موفق در فقرزدایی لازم است شرایط محلی مدنظر قرار گیرد. این برنامه‌ها باید با تکیه بر ظرفیت‌های محیطی و فرهنگی تهیه شود و برنامه‌های فقرزدایی نباید به دارایی‌های فرهنگی اقوام و مناطق آسیب بزند؛ بلکه باید بر این دارایی‌ها تکیه و آن‌ها را فعال کند (زاهدی‌اصل و بساطیان، ۱۳۹۰؛ نصیری، ۱۳۹۴؛ اسکندری‌ثانی و سجادی، ۱۳۹۳). برنامه‌های ملی اغلب تک‌بعدی و کلان‌نگر هستند و به همین دلیل انعطاف‌پذیری لازم برای برخورد با مشکلات محلی و استفاده از ظرفیت‌ها و منابع را ندارند (اثنی‌عشری و میکائیلی، ۱۳۹۳؛ هوشمند و دیگران، ۱۳۹۲). این پژوهش همچنین نشان داد پژوهش‌های کیفی در مطالعات فقرزدایی بسیار کمتر به‌چشم می‌خورد؛ در صورتی که مطالعات کیفی می‌تواند به شناخت ابعاد مختلف فقرزدایی کمک کند؛ ضمن اینکه می‌توان مطالعات کیفی و کمی را به‌شکل ترکیبی و در ارتباط با یکدیگر به‌کار گرفت.

در منابع مورد مطالعه، رویکرد تسهیل‌گری و مددکاری اجتماعی نقش تقریباً ناچیزی داشته است. تسهیل‌گری در واقع به‌معنای مداخله در میدان به‌همراه اهتمام و اطلاع کامل از تمام اقتضات اجتماعی و فرهنگی است و می‌تواند تحولی معنادار در فقرزدایی به‌وجود آورد. در موارد حاد، حتی رویکرد مددکاری اجتماعی بسیار مؤثر واقع می‌شود (شماعی، ۱۳۹۴). همچنین دیدگاه‌های انتقادی به برنامه‌های گذشته هنوز چندان پررنگ نیست. این امر ناظر بر آن است که احتمالاً محققان آن‌طور که شایسته است، برنامه‌های فقرزدایی را با نگاهی موشکافانه بررسی نکرده‌اند. این در حالی است که بدون اطلاع از پیشینه نمی‌توان در برنامه‌ریزی برای فقرزدایی گامی مؤثر و رو به جلو برداشت.

نکته قابل توجه دیگر این است که توجه به دیدگاه‌های خود فقرا در مورد تجربه زیسته‌شان از فقر و عاملیت آنان در کمک به تعدیل فقر در مطالعات حوزه فقرزدایی بسیار اندک است. در واقع با اطمینان می‌توان گفت که نگاه اقتصاد کلان و مالی به پژوهش‌های فقرزدایی مانع از آن شده تا ابعاد پیچیده فقر و دانش فقرا از زندگی آنان مورد توجه قرار گیرد (رئسی و دیگران، ۱۳۹۲؛ پورعزت و نجابت، ۱۳۹۱). هم‌سطح انگاشتن

محقق و موضوع تحقیق در این زمینه نیز عنصری کلیدی است. منظور این است که در فرایند پژوهش، محقق و موضوع تحقیق، هر دو، به یک اندازه نقش دارند. در این فرایند، محقق باید بکوشد به مردم کمک کند تا موفق به تغییر اوضاع خود شوند و از سوی دیگر مردم نیز به محقق در شناخت بهتر مسئله یاری برسانند. برنامه‌ریزی همراهمانه و مشارکتی در اینجا اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ امری که در پژوهش‌های ۱۵ سال گذشته در حوزه فقرزدایی به‌ندرت به‌چشم می‌خورد. همچنین ترکیب سیاست‌ها با یکدیگر عموماً اثربخش‌تر از آن است که هر کدام از برنامه‌ها به‌صورت منفرد و بدون در نظر گرفتن سایر جنبه‌ها اجرا شود. اما به‌طور کلی در اجرای هر یک از برنامه‌ها تا حدی نقصان وجود دارد که این امر نیاز به بازنگری در برنامه‌ها و راهبردها را می‌طلبد. این بخش از یافته‌ها با نتایج تحقیق غفاری (۱۳۹۳) و نجفی، خانزادی و قادری‌سیاه‌بیدی (۱۳۹۵) همسویی دارد. فقر نظری کمبود دیگری است که در مطالعات فقرزدایی دیده می‌شود. به‌ندرت پژوهشی یافت می‌شود آگاهانه رویکرد نظری مناسبی در آن به‌کار گرفته شده باشد. البته در بررسی این پژوهش‌ها می‌توان پارادایم محقق را به‌شکل مکنون یافت؛ اما هنگامی که محقق از ابزار نظری به‌شکلی فعالانه استفاده می‌کند، آن‌گاه می‌توان امیدوار بود که جنبه‌های تاریک و ناپیدای مسئله را روشن کند.

همچنین تا کنون مرکزی برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به طرح‌های فقرزدایی وجود نداشته است. در صورت فراهم شدن چنین بستری، می‌توان تجربه‌های گوناگون را به‌صورت متمرکز گرد آورد و برای تحلیل به محققان سپرد. به‌نظر می‌رسد در حال حاضر، تجربه‌های زیادی در دستگاه‌های اجرایی دولتی و مؤسسات غیردولتی در زمینه فقرزدایی وجود داشته باشد؛ اما این تجربه‌ها هرگز به‌صورت مدون و علمی منتشر نشده و به همین دلیل به‌آسانی از بین می‌رود. بنابراین بدون اطلاع از تجربه‌های پیشین همواره این خطر وجود دارد که اشتباهات تکرار شود و فرایندهای طراحی و اجرا حرکتی رو به جلو نداشته باشد.

درمجموع نویسندگان این مقاله، با توجه به برداشت‌های خود از مطالعه مقاله‌های مورد بررسی، پیشنهاد می‌کنند در تحقیقات بعدی درباره فقرزدایی، اولویت به مطالعه ظرفیت‌ها و مزیت‌های محلی داده شود. برای انجام این تحقیقات ضروری است موردپژوهشی‌های متعدد انجام شود و از انباشت این موردپژوهی‌ها، نظریه‌ها و راهکارهای میان‌دامنه استخراج گردد. چنین پژوهش‌هایی نسخه‌هایی متناسب و شایسته اجتماعات محلی ارائه می‌دهند. به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد به‌اندازه‌ای که در سیاست‌های کلی نظام بر فقرزدایی تأکید شده، مطالعات مناسبی برای بررسی وضعیت این حوزه انجام نشده است. به بیان دیگر، نه تنها برنامه‌های منسجمی برای فقرزدایی تدوین و اجرا نشده، بلکه مطالعات درخور و کافی هم در این حوزه وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.



References

- Afegheh, M., Matlabnezhad, M., & Ghabishavi, A. (2019). Analyzing the effect of globalization and economic development on poverty in Iran. *Journal of Fiscal and Economic Policies*, 7(25), 31-57. (Persain)
- Afshari, Z., & Beikzadeh, S. (2017). Financial development, unequal earning and poverty in Iran. *Economic Development Policy*, 5(1), 9-28. (Persain)
- Ahmadi Shadmehri, M., & Davoodi, A. (2015). The role of government's expenses in providing economic-social infrastructure and reduction of poverty in Iran. *Journal of The Macro and Strategic Policies*, 3(10), 1-16. (Persain)
- Allahdadi, F., & Aref, A. (2011). Human Resource Development for Poverty Alleviation in Iran. *Life Science Journal*, 8(3), 63-66.
- Alvani, M., Poorezat, A., & Nejabat, E. (2014). Analyzing the reasons of ineffectiveness of policy making system for reducing poverty in Iran. *Public Management*, 7(1), 1-18. (Persain)
- Amibandeh Gharayi, H., Khodadadkashi, F., Mousavi Jahromi, Y. (2019). Evaluating the effect of paying subsidies in reducing poverty in Iran. *Journal of Economic Research and Policies*, 27(89), 7-27. (Persain)
- Aram, M., & Seyed Emami, K. (2016). Policies of reducing poverty through social support. *Political Knowledge*, 12(2), 163-212. (Persain)
- Arayi, M. (2005). A pathological study of reducing poverty in Iran. *Social Welfare*, 5(18), 1-23. (Persain)
- Aref, A. (2011). Rural Cooperatives for poverty Alleviation in Iran. *Life Science Journal*, 8(2), 38-41.
- Ashrafi, S., Davoud Behboodi, M., Panahi, H. (2018). Three aspects of development, inequality, and poverty in Iran during the development plans. *Social Welfare*, 18(71), 9-44. (Persain)
- Ashraghi Samani, R., Fatahi, S., & Chaharsooghi, A. (2016). The role of rural cooperatives in reducing poverty in villages of Ilam province. *Cooperative and Agriculture*, 6(21), 87-106. (Persain)
- Asna Ashari, A., & Mikaeeli, V. (2014). The effect of Zakat on reducing poverty and economic development: the case of northern cities of Mazandaran, Gilan, and Golestan. *Journal of Islamic Finance Research*, 2(3), 7-24. (Persain)
- Assadzadeh, A., & Paul, S. (2004). Poverty, growth, and redistribution: a study of Iran. *Re-*

view of Development Economics, 8(4), 640-653.

- Azari Kian, H., & Dizji, M. (2016). Analyzing the effect of financial development on poverty in some selected countries. *Applied Economy*, 6, 55-66. (Persain)
- Azizi, M., & Molayjerdi, M. (2017). Methods of financial support and social entrepreneurship. *Financial Research Journal*, 19(1), 119-138. (Persain)
- Bagheri, F., & Kavand, H. (2008). The effect of economic development on poverty and inequality in Iran (1996-2005). *Social Welfare*, 7(28), 173-190. (Persain)
- Banerjee, A., & Duflo, E. (2013). *Economy of poverty: a fundamental review of methods of combating global poverty* (translated into Farsi by Jafar Kheirkhah and Mehdi Feizi). Tehran: World of Economy Press. (Persain)
- Bezazan, F., Ghasemi, A., & Raghfar, H. (2015). Analyzing the functions of government's policies in reducing poverty in Iran. *Journal of Economic Development Policy*, 3(8), 9-31. (Persain)
- Dadvarkhani, S., Salmani, M., Farhadi, S., & Zare, Z. (2011). Good governance a strategy for reducing rural poverty. *New Approaches in Human Geography*, 3(4), 103-120. (Persain)
- Damri, L., & Edison, T. (1991). *Reduction of poverty and structural balance* (translated into Farsi by monetary and bank research center). Tehran; Central Bank of IRIB, Research Center. (Persain)
- De Muro, P., Mazziotta, M., & Pareto, A. (2011). Composite indices of development and poverty: An application to MDGs. *Social Indicators Research*, 104(1), 1-18.
- Ebrahimzadeh, E., Eskandari Sani, M., & Ramezani, S. (2016). Strategies for reducing poverty in urban areas through resistance economy: the case of Tehran. *Geography and Development*, 14(44), 1-23. (Persain)
- Entezari, A., & Mehri, N. (2013). *An introduction to meta-analysis: the potential of meta-analysis in social science research*. Tehran: Sociologists Press. (Persain)
- Eskandari Sani, M., & Sajadi, Zh. (2014). Group agency: developing neighborhood gatherings and their role in reducing urban poverty: the case of Nematabad in Tehran. *Geography and Territorial Spatial Agreement*, 11, 31-48. (Persain)
- Ezati, M., & Mahmoodian, M. (2014). The effect of public help on reducing poverty in Iran. *Islamic Economy*, 14(53), 31-55. (Persain)
- Farahmand, Sh., Tayebi, K., & Karimi, M. (2013). The effect of production and improvement on poverty and social welfare in provinces of Iran (2000-2007). *Applied Sociology*, 24(2), 127-142. (Persain)

- Fetres, M., & Shahbazi, F. (2015). Analyzing the effect of improving income on poverty in Iran: 1984-2013. *Economic Research*, 50(3), 685-706. (Persain)
- Ghafari, M. (2014). Strategies of reducing poverty: a resolution in institutional economy. *Planning and Budget*, 19(4), 215-242. (Persain)
- Ghanbari Barzian, A., & Hemati, R. (2015). Religious identity in Iranian Society: a systematic review of some studies from 2001-2013. *Applied Sociology*, 26(3), 117-138. (Persain)
- Gharni Arayi, B. (2015). Analyzing the quantitative role of cooperative planning in reducing rural poverty the case of Firoozkooch city, Lazoor village. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 15, 117-135. (Persain)
- Ghazi Tabatabai, M., & Dadhir, A. (2010). *A meta-analysis of social and behavioral research*. Tehran: Sociologists. (Persain)
- Gohari, F., Abotorabi, M., & Gohari, L. (2014). Analyzing the effect of financial development on reducing poverty focusing on the banking system the case of some developing countries. *Strategy of Development*, 43, 132-160. (Persain)
- Grant, M. J., & Bootht, A. (2009). A typology of reviews: an analysis of 14 review types and associated methodologies. *Health Information and Libraries Journal*, 26, 91-108.
- Habibnezhad, A., & Salmani Sebiti, M. (2019). A model of reducing poverty in the legal system of Islamic Republic of Iran based on the concept of responsible freedom. *Administrative Law*, 7(20), 9-35. (Persain)
- Hasanvand, D., & Nademi, Y. (2017). The effect of financial development on reducing poverty in Iran. *Economic Research*, 52(1), 35-60. (Persain)
- Hassanzadeh, A., Ezvaji, A., & Ghavidel, S. (2006). Analyzing the effect of micro-credit in reducing poverty and inequality of income. *Islamic Economy*, 6, 45-69. (Persain)
- Hooshmand, M., Mostafavi, M., Ahmadi Shadmehri, M., & Mohaghegh, A. (2013). Analyzing the effect of tourism on reducing poverty in some selected developing countries. *Journal of Tourism Planning and Development*, 2(1), 11-28. (Persain)
- <https://data.worldbank.org>.
- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99709>. (Persain)
- <https://www.isna.ir/news/99071310016>. (Persain)
- <https://www.tabnak.ir>. (Persain)
- Hussain, M. D., Bhuiyan, A. B., & Bakar, R. (2014). Entrepreneurship development and poverty alleviation: an empirical review. *Journal of Asian Scientific Research*, 4(10),

558-573.

- Khandoozi, E., Shahsavari, S., & Alamkhah, A. (2015). Analyzing the policies of reducing poverty in five development plans of Islamic Republic of Iran. *Rahbord*, 46, 94-114. (Persain)
- Khodabakhshi Gorgani, F. (2017). Analyzing the effect of tourism on income distribution and poverty reduction in Iran. *Tourism*, 5(9), 41-58. (Persain)
- Khodaparast, M., & Davoodi, A. (2013). Government expenses and the reduction of poverty and inequality. *Journal of The Macro and Strategic Policies*, 1(4), 37-50. (Persain)
- Mahmoodi, V., Abooyi Ardakani, M., Abdolahi Milani, M., & Shabani, E. (2018). Analyzing the social support system based on human potentialities. *Public Policy*, 4(2), 57-79. (Persain)
- Mohammadpoor, A., Boostani, D., & Alizadeh, M. (2012). A qualitative analysis of welfare organizations and relief foundation in reducing women's poverty as family responsables in Sari city. *Social Welfare*, 12(46), 319-352. (Persain)
- Mojaverian, M., & Raisi, N. (2014). Does supportive strategies of government reduce poverty rate in villages? the case of Mazandaran province. *Rural Development Strategies*, 1(4), 13-24. (Persain)
- Mojtahedzadeh, V., & Tabghian, F. (2010). Social responsibilities of companies in reducing poverty: indexes of social performance and the role of motivation in their employment. *Securities and Exchanges*, 14, 221-236. (Persain)
- Mostafayi, Sh., Khodadadkashi, F., & Mousavi Jahromi, Y. (2019). The effect of industry on reducing poverty in all provinces of Iran. *Planning and Budget*, 24(1), 51-75. (Persain)
- Mostafayi, Sh., Khodadadkashi, F., & Mousavi Jahromi, Y. (2020). The effect of industrial development in reducing poverty in some provinces of Iran. *Journal of Economic Growth and Development Research*, 10(38), 45-60. (Persain)
- Motamed, MK. (2009). Role of cooperative companies in sustainable rice production and poverty alleviation in Guilan state of Iran. *African Journal of Biotechnology*, 9(11), 1592-1599.
- Mousayi, M., Karami, Y. (2008). Analyzing the role of Khoms in dealing with poverty. *Strategy of Development*, 16, 94-119. (Persain)
- Najafi, B., & Shooshtarian, A. (2007). Measuring the poverty rate, amount of poverty and its effective factors on rural and urban families of Iran. *Agricultural Economics and Development*, 15(59), 1-24. (Persain)

- Najafi, M., Khanzadi, A., & Ghaderi Siahbeidi, E. (2016). The effect of human resource productivity on reducing poverty in Iran. *Majles and Rahbord*, 24(92), 311-336. (Persain)
- Nasiri, E. (2015). Strategies of reducing urban poverty focusing on community gathering in the case of Bisim community in Zanjan city. *Urban Planning Studies*, 2(7), 107-125. (Persain)
- Nasirkhani, P., Ezati, M., & Nezamparast, R. (2018). The effect of Islamic institutes on public helping for reducing poverty in Iran. *Islamic Banking and Economics*, 25, 221-236. (Persain)
- Nazarpour, M., Ashraghi, F., & Khajeh Saeed, Z. (2013). The effect of Islamic banking and economic development on poverty and economic inequality in some selected Islamic countries. *Journal of Quantitative Studies in Management*, 4(2), 43-58. (Persain)
- Omidi, S., & Chaharsooghi Amin, H. (2018). The role of small businesses on reducing poverty in rural families of Mehran city. *Journal of Space Economy and Rural Development*, 7(1), 167-182. (Persain)
- Parvin, S., Banooyi, A., & Abasian Nigjeh, S. (2013). The development of economic sectors in reducing poverty through SAM approach. *Journal of Economic Growth and Development Research*, 10, 27-40. (Persain)
- Poorezat, A., & Nejabat, E. (2012). Analyzing the policies of reducing poverty and their hierarchy. *Social Welfare*, 12(46), 299-317. (Persain)
- Poormokhtar, E., & Moghadasi, R. (2016). Analyzing the relationship between monetary policies and farmers' welfare for reducing poverty in Iran. *Journal of Agricultural Economic Research*, 8(4), 101-126. (Persain)
- Poortaheri, M., Talebi, H., Rokn al-Din Eftekhari, A. (2010). Analyzing the economic and social factors for reducing rural poverty through nutritious poverty: Khejlestan sector of Qom province. *The Journal of Spatial Planning*, 15(2), 61-80. (Persain)
- Raghfar, H., & Soleimani, M. (2016). Empowering and reducing poverty from divorced and widowed women in Selseleh city. *Women in Development and Politics*, 14(1), 51-68. (Persain)
- Raghfar, H., Babapoor, M., & Yazdanpanah, M. (2015). Analyzing the relationship between economic development and poverty and inequality in Iran through the first and fourth development plans. *Journal of Applied Economic Studies*, 4(16), 59-79. (Persain)
- Raisi, R., Najafi, B., & Pezhman, B. (2013). Analyzing the effect of women's membership in rural cooperatives on improving job opportunity and reducing poverty in families based on Logit model. *Journal of Sociological and Psychological Women's Studies*, 11(4), 135-164. (Persain)

- Ramezani, A., Rabie, A., Zahedi Mazandarani, M., & Firoozabadi, A. (2018). Comparing the entrepreneurship social direction and charity in different aspects of poverty in supportive institutes in Mashhad. *Majles and Rahbord*, 25(96), 179-212. (Persain)
- Rezazadeh, M., & Fani, Z. (2016). Spatial analysis of religious institutes for empowering and reducing poverty in urban areas: the case of section one in Tehran. *Geographical Planning of Space*, 6(22), 155-174. (Persain)
- Rezvani, M., Badri, A., & Torabi, Z. (2018). A model of nature tourism and reducing poverty in some selected villages in the east of Semnan province: a qualitative study. *Tourism and Development*, 7(4), 205-225. (Persain)
- Saberifar, R., & Gheisari, S. (2009). Social management of rural areas and poverty reduction: the case of villages in Hossein Abad Gheinab Sarbisheh. *Village and Development*, 12(2), 15-36. (Persain)
- Sadeghi, H., & Davoodi, A. (2011). The effect of government expenditure on poverty rate of villages in Iran. *Journal of Economic Research and Policies*, 19(58), 107-126. (Persain)
- Sadeghi, H., Baskha, M., & Shaghghi Shahri, V. (2008). The relationship between economic development and poverty and income inequality in some developing countries. *Social Welfare*, 9(33), 27-44. (Persain)
- Sadeghi, H., Fathi, M., & Shafie, A. (2012). The status of public help on reducing poverty in the Islamic country: the case of Iran from 2006 to 2009. *Islamic Economy*, 12(45), 5-32. (Persain)
- Sanayi Alam, F., Memarzadeh Tehran, Gh., & Daneshfard, K. (2016). A model of applying policies of reducing poverty in Iran based on the 20-year perspective. *Journal of Strategic Management Studies*, 28, 233-266. (Persain)
- Sarvari, A., Karbasi, A., Daneshvar Kakhki, D., & Hatef, H. (2012). The effect of development rate of economic sectors and commercial liberation on reducing poverty in Iran. *Agricultural Economics and Development*, 21(83), 191-210. (Persain)
- Sedighian Bidgoli, A., & Lashgari, M. (2017). A review on the social aspects of student life in Iran. *Research and Planning in Higher Education*, 23(3), 115-138. (Persain)
- Sen, A. (2002). *Development as freedom* (translated into Farsi by Ahmad Movasaghi). Tehran: Tehran University Press. (Persain)
- Shahabadi, A., & Amiri, B. (2013). The effect of financial development on poverty in Islamic countries. *Planning and Budget*, 18(4), 27-42. (Persain)
- Shakoor, A., Shams al-Dini, A., & Javadi Haghighi, E. (2016). Analyzing the performance of relief foundation in reducing poverty in rural areas focusing on development parameters:

- the case of Shiraz city. *Journal of Environmental Studies*, 5(17), 63-72. (Persain)
- Shakoori, A., & Bahrami, Sh. (2014). The effect of rural tourism on reducing poverty based on sustainable income: the case of Ghalenou and Kelin villages of Rey city. *Rural Development*, 6(1), 3-24. (Persain)
- Shamayi, A. (2015). Strategies of neighborhood development via cooperative approach in facilitation offices: the case of poor areas of Jomhoori neighborhood in Tehran. *Community Development*, 7(1), 103-128. (Persain)
- Shirvanian, A., & Najafi, B. (2011). Analyzing the role of social capital on welfare and poverty reduction in villages: the case of watering and fencing areas of Doroodzan. *Agricultural Economy*, 5(3), 25-53. (Persain)
- Taleb, M., Piri, S., & Mohammadi, S. (2010). Meta-analysis of poverty studies in rural areas of Iran. *Rural Development*, 2(2), 23-40. (Persain)
- Torkamani, J., & Jamali Moghadam, E. (2008). Analyzing the direct and indirect effect of governmental civil capitals in developing productivity and reducing poverty in rural areas of Iran. *Village and Development*, 11(4), 1-24. (Persain)
- Yarshael, S., & Habibian Naghibi, M. (2015). The effect of objectifying subsidies on poverty and income distribution in Iran: a model for job opportunity. *Journal of Economic Modeling Research*, 6(23), 159-196. (Persain)
- Yasoori, M., Ofoghi, N., & Emami, F. (2017). Rural cooperation: strategies for achieving development and reducing poverty the case of Saravan village in Rasht city. *Journal of Research and Rural Planning*, 6(3), 220-234. (Persain)
- Zahedi Asl, M., & Basatian, M. (2011). Issues of poverty in Iran. *Social Development and Welfare Planning*, 2(7), 1-26. (Persain)
- Ziari, K., & Mousavi, M. (2008). Analyzing the measurement of poverty line and policies of reducing poverty in Yazd province. *Geography and Development*, 15, 5-20. (Persain)
- Zibayi, M., & Shooshtarian, A. (2007). Analyzing the dynamism of poverty in Iran through mixed-data of rural and urban families. *Iranian Journal of Economic Research*, 9(32), 55-83. (Persain)